

چهار آخشیج در اوستا

حمیدرضا خوارزمی^۱

لاله محمودآبادی^۲

چکیده

نگرش انسان‌های نخستین به عناصر و پدیده‌های اطراف، نظرگاه خاصی بود که همواره منجر به پرستش آنها در قالب ایزدان و الهه‌ها شده است و گاهی خشم و خروش طبیعت یا ناآرامی و رام بودن طبیعت را به آنها نسبت می‌داده‌اند. نگرش آریایی‌ها، خالی از این دیدگاه‌ها نبود و بعد از جدایی آریایی‌های هند و ایرانی از شاخه هند و اروپایی، برخی باورها در اندیشه آنان باقی ماند و برخی نگرش‌ها با تغییراتی روبرو شد. از جمله نگرش‌های خاص آریایی‌های ایرانی می‌توان به چهار عنصر طبیعت یعنی آتش، آب، هوا و خاک اشاره کرد. تحقیق بر روی برخی از این عناصر در دوره خاص، می‌تواند نگرش‌هایی را بیان کند و زمینه را برای مقایسه با اندیشه‌های قبلی و بعدی این قوم، به وجود آورد؛ بنابراین هدف از این پژوهش بررسی جایگاه چهار عنصر آتش، آب، باد و خاک در اوستا است که با ذکر ویژگی و کاربرد آنها، دلایل اهمیت این عناصر از قدیم تا به امروز بارز و آشکار می‌شود. منابع مدنظر، متن گاهان، یسن‌ها و یشت‌ها است.

واژه‌های کلیدی: آب، آتش، باد، خاک، چهار آخشیج

۱- مقدمه

از دیرباز آدمی به طبیعت پیرامون خود اهمیت بسیار می‌داد و در این نگرش، چهار عنصر اصلی حیات یعنی آب، آتش، باد و خاک نقش پررنگ‌تری در زندگی داشته است؛ چهار عنصری که با نام‌های متفاوتی در میان مردمان گیتی ظاهر شده است، اما بار معنایی یکسانی دارد. نگاه انسان‌ها در اسطوره‌ها به‌گونه‌ای بود که انسان‌های متقدم، به دلیل اهمیت و ارزش این عناصر، آنها را سرآغاز هستی به عنوان ایزدان می‌دانستند. در بین‌النهرین حصار آب‌های اطراف باعث شد، تصور پدید آمدن ایزد به آسمان‌ها نکشد، بلکه از درون آب‌ها پدید آید. چنانچه در اسطوره‌ها آمده است: «ابتدا همه جا آب و مه و ابر بود. پدر آپسو^۳

hamidrezakharazmi@yahoo.com

^۱ استادیار، رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه باهنر کرمان

Lalehmudi@gmail.com

^۲ کارشناس ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی، دانشگاه باهنر کرمان (نویسنده مسئول)

^۳ آبزو یا آپسو (Apsu): خدای رودخانه‌ها، چشمه‌ها و چاه‌ها در اساطیر بین‌النهرین.

تجسم یافت و بر آب‌های شیرین فرمان راند و مادر تیامت^۱ (Tiamat) برآب‌های شور حکمرانی می‌کرد» (رزنبرگ^۲، ۱۳۷۹: ۳۰۱).

در بین مصریان به دلیل رود نیل، باز با جایگاه آب روبرو هستیم. اقوام خدای هلیوپولیس^۳ از آب‌های آشفته اقیانوس سر برآوردند (ایوانز، ۱۳۷۹: ۳۳). در بین آریایی‌های هند و ایران آتش یا آگنی به سه صورت یعنی در آسمان به صورت خورشید، در جو به صورت آذرخش و در زمین به صورت آتش معمولی تجسم یافته است. آگنی^۴ را به صورت فردی با دندان تیز که دشمنان را در دهان می‌گذارد و می‌بلعد، تصور می‌نمودند. او از خدایان طراز اول است (ایوانز، ۱۳۸۱: ۸۳). گروه او وایو^۵ و سوریای^۶ بودند.

وایو همان تجسم باد است. آریایی‌ها نگاه خاصی به این ایزد داشتند. هندی‌ها بعدها با جدایی از ایرانی‌ها، باز به آتش توجه زیادشان دادند. آنان آتش را برادر ایندرا^۷ و فرزند زمین و آسمان می‌دانند. ایندرا دارای هفت زبان، همیشه جوان و واسط خدایان و انسان است. او انتقال دهنده قربانی‌ها و وادارنده مردم به نیایش‌ها است. آتش‌های ایرانی همچون: آتش گارهپتی^۸ آتش مقدس خانواده که خدایان بزرگ آن را نگهداری می‌کردند، اهوایه^۹ آتش مقدسی که از آتش جاوید کانون خانواده برداشته می‌شد و دکشینا^{۱۰} سومین آتش که به سوی جنوب روشن می‌کردند، منسوب به ایندرا هستند (گزیده سروده‌های ریگ‌ودا، ۱۳۷۲: ۸۳).

این الهه تنها در نقش یک خدای طبیعت نیست، بلکه دم او زندگی‌بخش خدایان و انسان‌ها است (ایوانز، ۱۳۸۱: ۲۳). در بین ایرانی‌ها هم این تعلق به آتش دیده می‌شود. در یسنا (هات ۱۷، بند ۱۱) از پنج نوع آتش سخن به میان آمده است ۱- برزی سونگ، ۲- وُهو فریان، ۳- اوروازیشت، ۴- وازشیت، ۵- سینیشت (پورداوود، ۱۳۸۰: ۵۱۱)^{۱۱}.

۱- برزی سونگه به معنی آتش بسیار سودمند، آتش مقدسی است که سرچشمه‌اش در آسمان قرار دارد و در برابر اهورامزدا می‌سوزد و آتش آتشکده‌ها از پرتو آن آتش مقدس است.

۲- وُهو فریان، آتش غریزی است که در بدن انسان و حیوانات مشتعل است و از آن زندگی جریان دارد.

۳- وازشیت، آتش آسمانی و برق جهنده است که در پهنه‌گاه آسمان پخش می‌شود و دیوان را دور میکند.

^۱ تیامات (Tiamat): ایزدانوی دریاها و اقیانوس‌های افسانه‌های بابلی و سومری.

^۲ Rosenberg, D.

^۳ هلیوپولیس (Heliopolis) نام یکی از شهرهای مهم مصر باستان.

^۴ آگنی (Agni) ایزد آتش از خدایان باستان هندوایرانی.

^۵ وایو (vayu) ایزد باد از خدایان باستان هند و ایرانی است که دارای دو وجه خوب و بد است.

^۶ سوریای (suriya) (روشنایی بزرگ) از مهم‌ترین و مشهورترین خدایان ودایی.

^۷ ایندرا (Indrā) یکی از بزرگترین خدایان هندی و فصلی از کتاب ریگ ودا به نام اوست.

^۸ Garhapatya

^۹ Ahavaniya

^{۱۰} dekshina

^{۱۱} Berezisaveng, Vohufaryan, Orvazesht, Vazesht, Spinesht

۴- اوروازیشت، آتشی که در نباتات می‌سوزد که در اثر سایش، تولید آتش می‌نماید.

۵- سینیشت، آتشی که در گرودمان^۱ در مقابل اهورامزدا می‌سوزد (فرنیج دادگی، ۱۳۶۹: ۹۰).

از این رو می‌توان گفت چهار عنصری که بعدها در نظر حکمای یونان اصل و پایه هستی بر پایه آنها نهاده شده است، در بین انسان‌های گذشته (ایرانیان) هم دارای جایگاه و ارزش بوده است.

۱-۱- شرح مسئله

اشاره به عناصر چهارگانه که با نام‌های (ارکان اربعه، چهارارکان، چهار آخشیج، مواد اربعه، اجساد اربعه، امهات اربعه، اسطقسات اربعه و چهار گوهر) (لغت نامه دهخدا: ذیل واژه عناصر اربعه)، شناخته می‌شود، چهار عنصر آب، هوا، خاک و آتش هستند که در متون یونانی به «*hu'le*»^۲، در متون فارسی میانه به «*zahagān*»^۳ مشهورند. در مکتب‌های متفاوت بشری گاهی تعداد این عناصر کم و زیاد می‌شود. «یونانیان باستان این عناصر را عنصرهای سازنده جهان می‌دانستند. تالس^۴ (۵۶۵-۶۲۴ ق.م.) با الهام از اسطوره اقیانوس و آموزه مصریان باستان در باب پیدایی جهان و نیز با توجه به محیط دریایی زادگاهش، میلئوس^۵، آب را ماده آغازین و همگانی دانست» (ارسطو، ۱۳۶۸: ۱۲). انکسیمندر^۶ (۵۴۵-۶۱۰ ق.م.) به وحدت مادی اعتقاد داشت و ماده اپیرون^۷ (بی‌پایان و نامحدود) را منشاء و اساس هستی دانست.

انکسیمنس^۸ با اعتقاد به باور عمومی طبیعیون هوا را اصل وجود به شمار آورد (ارسطو، ۱۳۶۸: ۱۳). نظریات هراکلیت^۹ (۴۷۵-۵۴۰ ق.م.) با زردشت مطابقت داشت و آتش را جوهر اصلی جهان دانست و از نظر او خواص آتش به عنوان ماده‌ای بی‌شکل، بی‌ثبات و بی‌سکون با ذات متغیر و ناپایدار جهان هم‌نواپی دارد (ارسطو، ۱۳۶۸: ۱۳). اما این امپیدوکلس^{۱۰} بود که نظریه کهن ماده آغازین را بسط داد و به جای یک عنصر بنیادین مواد چهارگانه آتش، آب، هوا و خاک را عناصر اصلی دانست و بدین گونه وحدت مادی را به کثرت مادی بدل کرد (ارسطو، ۱۳۶۸: ۱۵). از دیدگاه ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م.) عناصر چهارگانه تغییر ناپذیر نیستند و قابل تبدیل به یکدیگرند. وی آنها را به ترتیب ثقل خویش؛ خاک، آب، هوا و آتش برشمرد که اطراف زمین را همانند کراتی دربرگرفته‌اند (ارسطو، ۱۳۶۸: ۲۲). از سویی دیگر فیلسوفانی چون ابن‌سینا، در کتاب قانون خود، اجزای تن آدمی و موجودات را ارکان یا عناصر چهارگانه

^۱ garōdmān

^۲ تالس (Thales) دانشمند و فیلسوف نامدار یونانی سده ششم میلادی.

^۳ مَلَط یا میلِت یا میلئتوس (Miletus)، شهر ایونیی باستان، در غرب آناتولی بر ساحل دریای اژه (ترکیه امروزی) است.

^۴ Anaximander دانشمند و فیلسوف نامدار یونان باستان سده ششم و از شاگردان تالس.

^۵ از نظر انکسیمندر، اپیرون (Apeiron) ماده‌ای مشترک میان تری و خشکی است. ماده‌ای بی‌کمر که همه عناصر دیگر از آن پدید آمده‌اند.

^۶ Anaximenes دانشمند و فیلسوف نامدار یونانی سده ششم، آخرین فیلسوف از مکتب ملطی.

^۷ Heraclitus از فیلسوفان ایونیی دوره پیشاسقراطی. دارای لقب فیلسوف تاریک و گریان.

^۸ Empedocles فیلسوف پیشاسقراطی مکتب چندگانه‌گرای. پس از فیثاغورس، بارزترین نماینده التقاط‌گرایان علم و عرفان بود.

که خاک، آب، هوا و آتش در نظر می‌گیر(ابن سینا، ۱۳۷۰، ج ۱: ۱۰) حتی در سخن حکما و شاعران ایرانی در دوره بعد از اسلام، مانند فردوسی، ناصر خسرو، سنایی، مولوی و... صحبت از چهار عنصر است که کنجکاو بشر به ماهیت وجودی خود و دنیای اطرافش را نشان می‌دهد. این پژوهش سعی کرده است بر مبنای اوستا، جایگاه و نمادهای این عناصر را نشان دهد.

۱-۲- پیشینه پژوهش

تاکنون به صورت خاص در مورد این چهار عنصر پژوهشی صورت نگرفته است، ولی نوشته‌هایی به رشته تحریر درآمده که در اسطوره‌ها یا حماسه و یا متون حکمی و عرفانی به هر کدام از عناصر توجه جداگانه شده است از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

واحد دوست (۱۳۸۴) در مقاله «نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی» رهیافت به نمود و نمادینگی آتش در اسطوره‌ها و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی ایران را هدف خود قرار داده است. نویسنده به این نتیجه رسیده است که بین کارکردهای اسطوره‌ای و حماسی آتش ارتباط عمیق فرهنگی وجود دارد؛ هرچند در گذر زمان دچار دگرسانی‌هایی شده است.

قائمی، یاحقی و پورخالقی (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با نام «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی» بر اساس نقد اسطوره‌ای، نمادینگی عناصر متضاد چهارگانه در اساطیر و تبلور آن در شاهنامه فردوسی را بررسی کردند. تکیه نویسندگان بر کارکرد نمادگرایانه این چهار عنصر بوده است.

همچنین کوشش و کفاشی (۱۳۹۰) در «بررسی تطبیقی نمادینگی عناصر طبیعت در شاهنامه»، در پی اثبات این نکته بودند که پربراری شاهنامه از تأثیرپذیری فردوسی و کندوکاو وی در متون کهن ایران باستان و ملل دیگری همچون هند، چین و یونان است که اشتراکات اساطیری بسیاری با ما دارند. از سویی، بنیان اساطیری و منحصر به فرد عناصر طبیعت در شاهنامه، یاریگر قهرمان حماسه در هر جایی از داستان هستند.

بارانی و خانی (۱۳۹۲) در مقاله «بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند» سعی کردند عنصر آب را در اسطوره‌های ایران و هند به طور تطبیقی بررسی کنند. نویسندگان به این نتیجه رسیدند که آب در اسطوره آفرینش هر دو قوم، جزو نخستین آفریده‌های مادی است.

مقاله دیگری به زبان انگلیسی به نام «زردشت و چهار عنصر» با نویسندگی فتحی حبشی (۲۰۰۰) چاپ شده که با نگاه علمی به چهار عنصر در پی اثبات این مسئله است که چهار عنصر مطرح شده در اندیشه ارسطو و پیروانش، ریشه در اندیشه‌های زردشت دارد.

نگارندگان در مقاله حاضر بر آن بودند تا در متن خاص ایرانی پیش از اسلام جایگاه چهار عنصر را به صورت جامع بررسی کنند و اصل و اندیشه ایرانیان را در این زمینه نشان دهند. همان‌گونه که در پژوهش‌های انجام‌گرفته دیده می‌شود، پژوهشی به صورت خاص در زمینه چهارآخشیج در اوستا صورت نگرفته است. برای بررسی موضوع کتاب اوستا مد نظر بود اما گاهی برای تحلیل اسطوره‌ای پدیده‌ها، از متن‌های پهلوی هم نمونه‌هایی ذکر شده است.

۱-۳- ضرورت پژوهش

عناصرها از پدیده‌های مرموز و شگفت‌انگیز جهان امروزی به شمار می‌روند که انسان را همواره به اندیشه و تفکر وامی‌دارند. یکی از این اندیشه‌های والا، توجه به حالات ماده است. مفهوم ماده و انرژی را می‌توان از اعتقاد به عناصر چهارگانه برداشت کرد؛ خاک نماینده حالت جامد، آب نمادی از حالت مایع، و هوا یادآور حالت گازی است. به این ترتیب سه عنصر نخست حالات سه‌گانه ماده را یادآور می‌شوند. اثر دیگر آتش است. آتش نماینده مفهوم انرژی و بیانگر تغییراتی است که انرژی در ماده و حالات آن به وجود می‌آورد.

بدین ترتیب مفهوم ماده و انرژی را به آسانی می‌توان از دیدگاه پیشینیان، برداشت کرد. در متون دوره باستان و میانه زبان‌های ایرانی نیز با توجه به زمان و برداشت نویسندگان، تعریف‌هایی ارائه شده است که می‌تواند میزان توجه، نوع توجه و جایگاه عناصر ذکر شده را نشان دهد. پرداختن به این امر در این متون، نگاه ایرانیان را به مقوله چهار آخشیج نشان خواهد داد و حتی می‌توان تصویرهای به وجود آمده در دوره‌های بعد را با نگاه گذشته ثبت شده در متون گاهانی، یسن‌ها و یشت‌ها مورد ارزیابی و سنجش قرار داد.

۲- عناصر چهارگانه

۲-۱- آتش

صورت‌های واژه آتش در فارسی *ā.taš*، فارسی میانه *ātaxš*، باستان (اوستایی باستان *ātarš*، فارسی باستان *ātarš*) است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۳۰). برطبق متون تاریخی اولین ملت‌هایی که پرستش‌گاه آتش داشتند ایرانیان و هندیان بودند. مصداق بارز آن را می‌توان آتش‌دان‌هایی نام برد که در میدان‌های جنگ می‌افروختند و تصویر آن را، در پشت سکه‌های شاهان روزگاران قدیم یا در سنگ‌نوشته‌های شاهان هخامنشی می‌توان یافت. در سکه کعبه زردشت، سه عدد آتش‌دان، که معمولاً در میان آتشکده جای دارد، در بالای آتشکده نقش کرده‌اند. در سمت چپ شخصی در حال عبادت و در جانب راست پرچمی دیده می‌شود. جزئیات آتش‌دان در سکه‌های اردشیر اول بهتر نمایان است. آتش‌دان را طوری قرار داده‌اند، که یک سه‌پایه فلزی در روی آن واقع شده و آتش مقدس در حال اشتعال در بالای سه‌پایه نمودار است (کریستن سن^۱، ۱۳۶۸: ۲۳۴).

در مکتب زرتشتی بر طبق دیدگاه سنتی، روشنی بی‌پایان^۲ از آتش همه‌گیر و غالب به وجود آمده است (راشد محصل، ۱۳۶۶: ۱۲). «هورامزدا از روشنی بیکران آتش را به وجود آورد و سپس از آتش، هوا، از هوا، آب و از آب زمین را آفرید (فرنیغ‌دادگی، ۱۳۶۹: ۴۱). در منابع یونانی، عنصر اصلی پدیده‌ها آب است. برطبق تئوری جدید امپیدوکلس «عنصر اصلی همه چیز یک قطره آب است

¹ Kristensen, A.

² Asar-rōšnīh

(*ab - srišk - e*) به جز تخمه اولیّه انسان و حیوان که از آتش است» (شکی، ایرانیکا، ذیل مدخل آتش).

در زبان شعر در متون ادبی از آتش به قبله جمشید، قبله دهقان، قبله زرتشت، قبله مجوس، بستر سمندر^۱، تخته زرینخ^۲ و غیره تعبیر کرده‌اند که این اسامی نشان از اهمیت این عنصر دارد (دهخدا، ۱۳۳۶، ذیل مدخل آتش).

آتش که بیشتر با نام آذر پسر اهورامزدا^۳ دیده می‌شود (ها ۱ بند ۱۲: ۱۲۱ / ها ۲ بند ۱۲: ۱۲۹ / ها ۳ بند ۱۴: ۱۳۶ / ها ۴ بند ۱۷: ۱۴۲)، به مانند سایر یشت‌ها، یشت خاص خود را ندارد، اما در سراسر متون اوستایی نام آن به چشم می‌خورد؛ مثلاً در یسنا بخشی به نام آتش نیایش وجود دارد (ها ۶۲) و در خرده اوستا به نام آتش بهرام نیایش است (دوستخواه، ۱۳۷۵: ۶۰۴). همچنین آتش بن مایه اسطوره «داوری ایزدی» دانسته شده است که بی‌ارتباط با اهمیت این عنصر در باور قدما نیست (دادور، ۱۳۹۳: ۴۴).

در فرهنگ زرتشتی در روز نهم آذرماه به موجب هم نام بودن با نام ماه که آذر است جشنی بنام آذرگان برگزار می‌شود که با نام‌های دیگری مثل: آذرخش، آذرچشن نیز آمده است (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۴۴). در این روز به دلیل نزدیک شدن زمستان، مردم به افروختن آتش در خانه‌ها می‌پردازند و به آتشکده رفته و نذر و نیایش می‌کنند و برای تقدس و احترام و به موجب رسمی کهن هر خانواده‌ای اخگری فراهم آورده و آتش زمستانی خانه خود را شعله‌ور می‌سازد. از دیگر جشن‌های آتش می‌توان به اردیبهشت‌گان روز ۳ از ماه اردیبهشت، سده روز ۱۰ از ماه بهمن، هیرم بو^۴ روز اشداد از آذرماه، پنجه (شکلی از جشن مهرگان) در اواسط بهمن و چهارشنبه سوری اشاره کرد (بیرونی، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

۲-۲- باد

صورت‌های واژه باد در فارسی *bād*، میانه *wād*، باستان (اوستایی *vāta*-، فارسی باستان *vāta*-*)، سنسکریت *vāta* است (حسن‌دوست، ۱۳۹۳: ۶۰۰).

این عنصر در نزد اقوام آریایی هند و ایرانی اسم یکی از پروردگاران طبیعت است با ویژگی‌هایی خاص که بعدها نزد ایرانیان به دو بخش خوب و بد تقسیم می‌شود: وای بد (استویهاد^۵)، وای خوب (رام^۶)، هر چند که وای و باد از هم متمایزند به طوریکه وای، هوا، فضا و جو است و باد، نفس، باد. اما با هم ادغام شدند و به شکل جان نمود کردند (شکی، ایرانیکا، ذیل مدخل آتش).

^۱ کنایه از آتش است. در بسیاری از افسانه‌های کهن ایران، سمندر حیوانی متولد شده از آتش است که در آتش نمی‌سوزد.

^۲ کنایه از انگشت و زغال افروخته است.

^۳ Av. Atropretmahuremmazdam

^۴ Hērumbōy در فارسی هیر به معنای آتش و بو به معنای باد در کل به معنای آتش پایدار باد است. جشن کهن ایرانی که امروزه در شریف آباد اردکان یزد توسط زرتشتیان برگزار می‌شود.

^۵ Astwihād

^۶ rām

اوستا دارای یشت خاصی به نام رامیشت است که در آن وایو فضایی است که در بالا جهان مینوی و در پایین، جهان مادی را در بردارد به عبارتی با جداکردن دو جهان، آفرینش خداوند (اهورامزدا) را به مخلوقات نیک و خبیث تقسیم می‌کند (جهان مینوی از آن موجودات خوب و جهان مادی از آن موجودات بد می‌شود). در فصل ۲۷ بندهش فقره ۲۴ از گیاه مخصوص ایزد باد یعنی واترنگبوی (دارای بوی بادرننگ) که امروزه بادرنگبویه فارسی (بادرنگبویه عربی) نیز نامیده می‌شود، نام برده شده است. بادرنگبویه گیاهی خوشبو از تیره نعناع و منسوب به ایزد نگهبان روز هشتم هر ماه شمسی «دی به آذر» است که گویی باد غم و رنج را می‌زداید و شادی و سلامتی می‌آورد (پورداوود، ۱۳۳۱: ۸۰).

در متن اوستایی ونیدیداد فرگرد ۵، وایو با دیو مرگ (استویهاد) در یک جا ذکر شده است. «ای دادار... آب هیچکس را نمی‌کشد استویهاد است که آدمی را به بند می‌افگند و بد وای او را چنین فروبسته می‌برد...» / «ای دادار... آنگاه آتش تن و جان وی را می‌سوزاند...» (دارمستتر^۱، ۱۳۸۲: ۱۱۸).

در هادخت نسک فرگرد ۲ فقره ۷ به شکل بادی خوشبو که به پذیره روان پرهیزکاران پس از مرگ می‌آید ذکر می‌شود. «...روان مرد پاکدین... بوهای خوش دریا بد و او را چنین می‌نماید که باد معطری از نواحی جنوبی به سوی وی می‌وزد، خوش‌بوتر از بادهای دیگر...» و مرد پاکدین را چنین می‌نماید که این باد را به مشام خود دریافته باشد (چنین گوید) از کجا می‌وزد این خوش‌بوترین باد...» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۵۱۱).

در یشت‌های متفاوتی همچون مهریشت فقره ۹، رشن یشت فقره ۴ و فروردین یشت فقره ۴۷ با ایزد مهر یکجا آمده است و صفت‌هایی چون زیردست و پیروزمند دارد. «به آن یکی از دو (دسته هم‌آوردان) که از طیب خاطر با منش نیک و اعتقاد حقیقی نماز آورد مهر به همراهی باد پیروزمند و دامویش اوپمن^۲ (به همان طرف روی آورد)» (پورداوود، ۱۳۷۷: ۷۰/۵۶۷/۴۲۷).

یا برطبق اسطوره تهمورث از شاهان و نامداران اساطیری از باد خواست که برای چیره شدن بر دیوان به او کمک کند (همان: ۱۴۰).

روز ۲۲ هر ماه برطبق تقویم زرتشتی بادرروز نام دارد که در شهرهایی از ایران مثل قم یا اصفهان در این روز جشنی برگزار می‌شده است که «باد بره یا کژین» نام دارد مردم در این روز به جشن و پایکوبی می‌پرداختند (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۲). یا جشن تیرگان که روز ۱۳ از تیرماه برگزار می‌شود در روز باد به پایان می‌رسید و زرتشتیان این جشن را «تیرو» جشن می‌نامیدند که اشاره به داستان اساطیری آرش کماندار دارد (همان: ۳۳۴).

۲-۳- آب

صورت‌های واژه آب در فارسی bā، میانه āb، باستان (اوستایی: āp-، فارسی باستان āp-)، سنسکریت p-ā است (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱).

¹ Darmistiter

² Damuyesh_Upamana

عنصر آب نزد ایرانیان همواره محترم و از تقدس برخوردار بود، تا آنجا که مورّخین و جغرافی‌دانان یونانی چون هرودوت و استرابون به این نکته اشاره کردند:

پارس‌ها در مجاری آب ادرار نمی‌کنند و آب دهان در آن نمی‌اندازند و دست و روی خود را نمی‌شویند و حتی اجازه نمی‌دهند که کسی چنین کند. برعکس ما، برای مجاری آب احترام زیاد قائل هستیم (هرودوت/ ۱، ۱۳۸۲: ۲۲۰ و ۲۲۱). هنگامی که برای آب قربانی می‌کنند در کنار چشمه یا رودخانه گودالی حفر می‌کنند و بسیار مراقبند که آب با خون آلوده نشود (استرابون، ۱۳۸۲: ۳۲۴). ایرانیان قدیم برای هر کدام از مقدّسات خود موکلی می‌گماردند که ایزد آب ایزدبانو آردویسورآناهیتا (ناهید) بوده است که متنی از اوستای نو به نام آبان یشت در وصف این ایزد است. در بندهای متفاوت از این یشت دیده می‌شود که ناهید توصیف و ستوده شده است و از پادشاهان و نامدارانی اسم برده شده که به وی متوسّل می‌شدند و در کنار رودها برای برآورده شدن آرزوهایشان قربانی می‌کردند (پورداوود، ۱۳۷۰: ۱۶۶).

در توصیف این ایزد بانو می‌توان به آسانی به صفاتی چون فزاینده‌گی و باروری رسید که خاص عنصر حیات بخش آب است. علاوه بر این خویشکاری برخی از شخصیت‌های مینوی دیگر هم در رابطه با آب بوده است مانند فروهرها یا حتی خرداد امشاسپند که نگهبان آب است. در دین زرتشتی و در روز ششم از ماه خرداد جشنی به نام خردادگان در میان زرتشتیان برگزار می‌شود که از آداب و مراسم این جشن شست‌وشوی ویژه است. از نمونه‌های دیگری از این نوع جشن‌ها که مرتبط با آب است می‌توان به جشن آبانگاه در روز دهم از ماه فروردین اشاره کرد که مراسمی در تقدیس آب و باران است (رضی، ۱۳۸۹: ۱۶۹).

ابوریحان بیرونی نقل کرده است که «اگر در این روز باران بیارد آبانگاه مردان است یعنی مردان باید وارد آب شوند و اگر باران نیارد آبانگاه زنان است و آنها در آب می‌روند و این عمل را مبارک و شگون می‌دانند» (بیرونی، ۱۳۸۶: ۲۵۶).

در فرهنگ زرتشتی برخورد روز آبان و ماه آبان یعنی روز دهم، جشنی به نام آبانگان برپا می‌شود (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۴۰). روز سی‌ام از ماه بهمن «انیران روز» جشنی به نام آبریزگان (آفریجگان) برگزار می‌شده است که در روز سیزدهم تیرماه نیز که جشن تیرگان نام دارد عملی مشابه اتفاق می‌افتد به عبارت دیگر در این روز جشنی برپا می‌شود که مردم به یکدیگر از فرط شادی آب می‌پاشند که این عمل پیشینه‌ای تاریخی دارد (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۳).

از جشن‌های ششگانه آفرینش در ایران باستان و در میان زرتشتیان که گاهنبار نام دارد گاهی نیز به عنوان «میدیوشهم‌گاه» (میان تابستان) وجود دارد که آب در این گاه آفریده شده است (معین، ذیل مدخل گاهنبار).

۲-۴- خاک

صورت‌های واژه خاک در فارسی xāk، باستان (اوستایی -āi، فارسی باستان -āika*) (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۱۹۵۵)، / فارسی za.mīn، میانه zamīk، باستان (اوستایی -zəmaina، فارسی باستان -zamaina*) (حسن دوست، ۱۳۹۳: ۲۷۸۹).

این عنصر بیشتر به اسم زمین ذکر می‌شود و معمولاً با آسمان همراه است (ها ۴۲ بند ۳: ۴۴) در تقویم زرتشتی روزهای ۲۷ و ۲۸ ماه موسوم به نام این دو ایزد مقدس است. در بندهش فصل ۲۷ فقره ۲۴ از گیاه نعناع، مخصوص ایزد آسمان و گل زعفران (کرکم)، گل مخصوص زامیاد ایزد زمین نام برده می‌شود. چون در مزدیسنا هر دو به طور یکسان مقدس‌اند. خاک مانند سه عنصر قبلی نزد ایرانیان بسیار مقدس است و به دلیل فوایدی که برای آدمیان دارد بسیار ستوده می‌شود. در فروردین یشت فقره ۹ در مورد فوایدی که زمین برای آدمی دارد و سود می‌رساند صحبت شده است و دارای صفت «hūdāh» یعنی خوب آفریده است. «... (نگاه می‌دارم) زمین فراخ اهوراداده را، این (زمین) بلند و پهن را که حامل بسی چیزهای زیبا است که حامل جهان مادی (است)...» (ها ۴۲ بند ۳: ۶۰).

در چند یشت اوستایی همچون تیشتریشث فقره ۸، مهریشث فقره ۹۵، فروردین‌یشث فقره ۱۳ از ایزدانی که از زمین و آسمان اراده شده‌اند تا از خاک و سپهر محافظت کنند نام برده می‌شود. «... وقتی (پری‌ها) به شکل ستارگان دنباله‌دار در میان زمین و آسمان پرتاب شوند...» (ها ۴۲ بند ۳: ۳۴۳) / مهر... آنچه در زمین و آسمان (است) بنگرد (ها ۴۲ بند ۳: ۴۷۷) / میان زمین و آسمان در میان دو گوهر (سپندمینو، انگره مینو) دروغ جای گزینند...» (ها ۴۲ بند ۳: ۶۲). از طرفی زن ایزدان دوران کهن، پیش از دین‌آوری زرتشت به دلیل صفت باروری و آورنده باران و سال نیک بعدها در اثر دگرگونی‌های اجتماعی و نوکیشی به پری که نماد موجودی اهریمنی، جادوگر و اغواگر بود تغییر شکل دادند (سرکاراتی، ۱۳۸۵: ۷). اما باید خاطر نشان کرد که این عنصر، یشت خاصی برای خود ندارد. در تقویم زرتشتی دو روز متفاوت را به خود اختصاص می‌دهد ۱: روز پنجم که سپندارمذ است ۲: روز بیست و هشتم که زامیاد است.

در مورد جشن مخصوص به عنصر خاک می‌توان از جشن «اسفندگان» برابر با ۲۹ بهمن خورشیدی و ۵ اسفند تقویم زرتشتی نام برد. در این روز که جشن زنان نیکو است زنان مورد تقدیر قرار می‌گیرند که اشاره به ایزد بانو سپندارمذ (ایزد زمین) دارد (بیرونی، ۱۳۸۶: ۳۵۵). در زاداسپرم آمده است که وقتی کیومرث مُرد، به سبب سرشت فلزی او هشت نوع فلز از اندام او پدید آمد که زر را سپندارمذ (زمین) پذیرفت و چهل سال در زمین بود (راشدمحصل، ۱۳۶۶: ۴۹).

از جشن‌های شش‌گانه (گاهنبار)، جشن «بیته‌شهم‌گاه» (پایان تابستان) وابسته به عنصر خاک است زیرا گاهی است که زمین در این زمان آفریده شده است (فرنبغ دادگی، ۱۳۶۹: ۴۱).

۳- مستندات عناصر چهارگانه

در ادامه به مستنداتی اشاره می‌کنیم که نام این چهار عنصر برده شده است.

۳-۱- گاهان

برطبق متن گاهان سخن از رضایت و خشنودی است که توسط روح و آتش به بندگان داده می‌شود (هات ۳۱ بند ۳) (هومباخ، ۱۹۹۱: ۶۰).

همچنین از برقراری تعادل در جهان به روشی نیک توسط آتش سرخ اشاره می‌شود (هات ۳۱، بند ۱۹).
(هومباخ، ۱۹۹۱: ۶۱).

در جایی دیگر به اهورامزدا خطاب می‌شود و برای قدرتمندی آتش از طریق راستی و کمک‌های بیشتر و زودتر به طرفداران و حامیان و صدمات آشکاری که به دشمنانش در نتیجه اعمال بد خودشان می‌رسد صحبت می‌شود (هات ۳۴، بند ۲)، (هومباخ، ۱۹۹۱: ۱۰۵).

۳-۲- هفت هات

هفت هات گرچه مجموعه‌ای جدا از گاهان است و از نظر مضمون و درون‌مایه با گاهان تفاوت‌هایی دارد اما از نظر شیوه نگارش و زبان با گاهان همسو است. میرفخرایی (۱۳۸۲: ۱-۳) در پژوهشی بر روی هفت هات، درون مایه آنها را دست‌یابی به نیکی، نذر و نیایش آتش، بی‌مرگان مقدس که شامل پنج هستی ایزدی، (اندیشه نیک، شهریار، دین، شادی، درست‌اندیشی که با راستی و اهورامزدا تعدادشان به هفت می‌رسد)، ستایش ایزدانوان و آنها، روان چارپایان و انسان، اتحاد اهورامزدا و اشه و ستایش‌ها برمی‌شمرد. در این هفت هات درباره عنصر آتش به نکات زیر اشاره شده‌است:
توسط آتش و همراهی با اوست که بندگان به خداوند (اهورامزدا) نزدیک می‌شوند (هات ۳۶، بند ۱: ۱۲۱).

به آتش اهورامزدا خطاب می‌شود که خوشایندترین و شادترین موجودات اهورایی است و از او خواسته می‌شود که با مومنان شریک شود (هات ۳۶، بند ۲: ۱۲۱). در جایی دیگر از این متن اشاره به این می‌شود که آتش به راستی و حقیقتاً متعلق به اهورامزدا است، متعلق به روح پاک است و دارای زیباترین نام‌ها است (هات ۳۶، بند ۳: ۱۲۱). همچنین می‌بینیم که اهورامزدا و آتش که متعلق به اوست در کنار یکدیگر مورد ستایش قرار می‌گیرند و ذکر می‌شود که توسط راستی است که گرمای آتش محکم، قوی و شدید می‌شود (هات ۴۳، بندهای ۴ و ۹: ۱۳۶ / ۱۴۰). اینکه به جز آتش و افکار اهورامزدا توسط کدام اعمال راستی تغذیه می‌شود یا اینکه توسط چه چیزی از مؤمن در برابر افراد فریبکار محافظت می‌شود (هات ۴۶، بند ۷: ۱۸۱).

«اینها پرسش‌هایی است که از اهورامزدا در متن پرسیده شده است. در قسمت‌هایی از متن آمده است که اهورامزدا از طریق روح پاک و با کارهایی خوب که برای آتش انجام شده‌اند موجودات را در گیتی توزیع می‌کند» (هات ۴۷، بند ۶: ۱۹۴).

«و از طریق آتش سرخ و فلز گذاخته است که اهورامزدا در تقسیم خشنودی خود به موجودات گیتی تعادل برقرار می‌کند» (هات ۵۱، بند ۹: ۲۲۶).

در مورد عنصر آب، خاک و باد اشاره به این موارد شده است که:

«اهورامزدا مورد ستایش است به این دلیل که خالق آب‌ها و گیاهان خوب، روشنی و زمین و همه چیزهای نیک است» (هات ۳۷، بند ۱: ۱۴۶).

«در جایی زمین را می‌ستاید به دلیل اینکه در بردارنده موجودات است» (هات ۳۸، بند ۱: ۱۴۷).

همچنین آب‌هایی را مورد ستایش قرار می‌دهد که شیرین و تمیز و برای شنا کردن مناسب است و به خوبی جریان دارند (هات ۳۸، بند ۳: ۱۴۷). در متن می‌بینیم که خطاب به اهورامزدا پرسیده می‌شود که چه کسی است که زمین را در پایین نگه داشته و آسمان را در بالا از افتادن نگه می‌دارد و چه کسی آب‌ها و گیاهان را حمایت می‌کند و چه کسی باد و ابرها را به هم جفت و یوغ کرده‌است (هات ۴۴، بند ۴: ۱۴۹). دیگر اینکه توسط باد است که آسایش و راحتی از مهاجمان فریبکار به راستی دور و جدا می‌شود (هات ۵۳، بند ۶: ۲۴۳). در پایان اهورامزدا ستوده می‌شود زیرا کسی که خالق گاو، آب، گیاه و دیگر چیزها از طریق روح پاک است (هات ۵۱، بند ۷: ۲۲۵).

۳-۳- یسن‌ها

یسن‌های زرتشت یکی دیگر از منابع غنی است که مکرراً در آن از چهار عنصر مقدس نام برده شده و آنها را مورد ستایش و نیایش قرار داده است.

آتش اولین عنصری است که حضور پررنگ در یسن‌ها دارد: در اکثر یسن‌ها آذر پسر اهورامزدا خطاب می‌شود «نوید می‌دهم و به‌جای می‌آورم از برای تو ای آذر پسر اهورامزدا با همه آتش‌ها» (هات ۱ بند ۵ : ۱۱۷) // «اینک آنها (هوم، میزد... را چنین نذر می‌کنیم به تو ای آذر پسر اهورامزدا با همه آتشها...» (هات ۴ بند ۹ : ۱۴۰) و در کنار اردیبهشت «نوید می‌دهم و به‌جای می‌آورم از برای اردیبهشت و آذر اهورامزدا» (هات ۱ بند ۴ : ۱۱۶) / «اینک آنها را چنین نذر می‌کنیم به اردیبهشت و به آذر اهورامزدا...» (هات ۴ بند ۱۷ : ۱۴۲). آب مزداداده ستایش می‌شود. «خواستار ستاییدم تو را ای آذر پسر اهورامزدا، با همه آتشها، خواستار ستاییدم آب‌های نیک و همه آب‌های مزداداده و گیاهان مزداداده را» (هات ۳ بند ۱۴ : ۱۳۶) / «با این زور و برسم ترا ای آذر پسر اهورامزدا ای پاک با همه آتش‌ها و آب‌های نیک بهترین مزداداده پاک را خواستار ستاییدم» (هات ۲ بند ۱۲ : ۱۳۰). در جایی دیگر از هیزم و بوی نام برده می‌شود که برای خشنودی آذر برپا می‌کنند... هیزم و بوی را خواستار ستاییدم از برای خشنود ساختن تو ای آذر پسر اهورامزدا» (هات ۳ بند ۲۱ : ۱۳۷). همچنین دیده می‌شود که آذر اهورامزدا با صفت رد، یار عزیز و مفید، خوانده می‌شود. آذر اهورامزدا را، رد، یار عزیز و مفید را می‌خوانم...» (هات ۱۳ بند ۲ : ۱۸۹).

در یک قسمت از یسنی خاص سخن از تقسیم نیکی از خرد مقدس که توسط اهورامزدا به دستیاری آتش صورت می‌گیرد به میان می‌آید. از این خرد مقدس، ای مزداهورا، تو به دستیاری آتش نیک تقسیم خواهی کرد...» (هات ۱۸ بند ۷ : ۲۰۱).

در یسن‌های دیگر به طور پراکنده اشاراتی به حضور سه عنصر دیگر شده است:

در جایی تنها آب مورد ستایش قرار گرفته است «(با این زور و برسم)... ایم نپات تیز اسب را خواستار ستاییدم و آب‌های مزداداده پاک را خواستار ستاییدم» (هات ۲ بند ۵ : ۱۲۷) و در جایی دیگر در کنار آذر است «با این زور و برسم ترا ای آذر پسر اهورامزدا خواستار ستاییدم... با این زور و برسم آب‌های نیک بهترین مزداداده پاک را خواستار ستاییدم...» (هات ۲ بند ۱۲ : ۱۲۹).

حتی در قسمت‌هایی از یسن‌ها دیده می‌شود که هر سه عنصر با هم آمده‌اند یعنی زمین در کنار باد و آب مورد ستایش قرار گرفته‌اند «خواستار ستاییدم... این آب‌ها و زمین‌ها و گیاه‌ها و این زمین و آن آسمان و باد پاک...» (هات ۳ بند ۱۸ : ۱۳۷).

همچنین اشاراتی به فشردن هوم برای خشنودی آب می‌شود «...هوم را خواستار ستاییدم از برای خشنود ساختن آب‌های مزد داده...» (هات ۳ بند ۳ : ۱۳۲)، یا این که آب با زور و برسم ستوده می‌شود «با این زور و برسم این آب‌ها و زمین‌ها و گیاه‌ها را خواستار ستاییدم...» (هات ۲ بند ۱۶ : ۱۳۰).

کم‌وبیش در قسمت‌های متفاوتی از یسن‌ها در مورد آب‌های گذرا «می‌ستاییم... آب‌های چشمه را و آب‌های گذرا را و بهم پیوستگی راه را» (هات ۴۲ بند ۱ : ۴۴) و چشمه‌ها، آب روان و مرغ پران «آب روان و مرغ پران را می‌ستاییم...» (هات ۴۲ بند ۶ : ۴۵)، دریاچه‌های آب‌زا و کوه‌های آبریزان «کوه‌های آبریزان را می‌ستاییم... دریاچه‌های آب‌زا را می‌ستاییم نیز کشتزارهای سودبخش گندم را...» (هات ۴۲ بند ۲ : ۴۴) صحبت شده است. از میان یسن‌ها، ها ۶۲ خاص ستایش آتش (بندهای ۱-۱۰ : ۸۱-۸۳) و ها ۶۵ خاص نیایش آب است (بندهای ۱-۱۴ : ۸۹-۹۴). از یسن ۶۳ تا ۶۹ به آبرور معروف است و آن آبی مقدّس است که در مراسم مذهبی زرتشتیان و عیسویان استفاده می‌شود که در پهلوی «*apzōhr*» نام دارد.

۳-۴- یشت‌ها

بعضی از عناصر چهارگانه، یشت مخصوص به خود دارند یعنی آبان‌یشت یا تیریشت را باید متعلق به آب دانست و رام‌یشت را متعلق به باد، اما برای عناصر آتش و خاک یشت مخصوصی وجود ندارد. بنابراین یشت‌های اوستایی هر کدام از این عناصر را ایزدانی نگهبانی می‌کنند که عبارتند از «ایزد آردویسور آناهیتا» نگهبان آب، «آذر» نگهبان آتش، «واپو» نگهبان باد و «سپندارمذ» نگهبان زمین. در ابتدا به ذکر مواردی می‌پردازیم که اشاره به عنصر آب دارند:

آبان‌یشت پنجمین یشت از کتاب اوستا است که از بلندترین، بهترین و قدیمی‌ترین یشتها است که از عظمت ایزد موکل بر آن یعنی ناهید صحبت می‌کند. از آبان‌یشت نیایشی به نام آبان نیایش استخراج شده که در خرده اوستا قرار دارد این نیایش همیشه در کنار جویبار، آبشار و سرچشمه خوانده می‌شود. زیرا این یشت مختص به عنصر آب است. در آبان‌یشت ناهید بانویی بسیار زیبا است که ارابه آن را چهار اسب که از باد، باران، ابر و تگرگ است می‌رانند (برای توصیف بیشتر این ایزد رجوع کنید به کرده ۳ فقره ۱۲۶).

در هرمزدیشت اهورامزدا خطاب به زرتشت بیان می‌کند که آب‌ها برای یاری و پناه به سوی او (زرتشت) می‌آیند اگر زرتشت شبانه‌روز اهورامزدا را با زور مقدّس بستاید. «ای زرتشت تو باید شبانه‌روز مرا با نیاز برازنده زور بستایی... آب‌ها و گیاهان... برای یاری و پناه به سوی تو آیند» (بند ۹ : ۵۳) و به آب و رود دائیتی درود فرستاده می‌شود «... درود به آب دائیتی، درود به آب اردوی ناهید...» (بند ۲۱ : ۵۹).

در هفتن‌یشت کوچک آب مزدآفریده و آپام‌نپات سرور بزرگ مورد ستایش قرار می‌گیرند «... آذر اهورامزدا را سرور بزرگ، آپام‌نپات را و آب مزدآفریده را (می‌ستاییم)» (بند ۴ : ۱۰۱) و در جایی دیگر از

همین یشت آب مقدس مزدآفریده که به شکل اسی روان توصیف شده است مورد ستایش قرار می‌گیرد
«... و آب مزدا آفریده را که به شکل اسب (روان است) می ستاییم» (بند ۱۲ : ۱۰۷).

در هفتین یشت بزرگ آب‌هایی که قابل شنا و مناسب برای شست‌وشو است یا چشمه‌های جوشنده و آب‌های جاری است» ایدون آب‌ها را می‌ستاییم (آنها را که) فروچکیده و گردهم آمده و روان شده و خوب-کنش اهورایی (هستند) و شما را (ای آب‌ها) که به خوبی روان و به خوبی در خور شنآوری و به خوبی از برای شست‌وشو (و) بخشایش دو جهان (هستید، می ستاییم)» (هات ۳۸ بند ۳ : ۳۶) ستوده می‌شوند.

در جایی دیگر از همین یشت از آب‌های بارور نام برده می‌شود که به مادران شبیه شده‌اند «و شما را ای آب‌های بارور به یاری می‌خوانیم و شما را که مانند مادری (هستید)...» (هات ۳۸ بند ۵ : ۳۷). همچنین به سرچشمه‌ها و گذرها به آب، به کوه‌هایی که از بالای آنها آب جاری است و به دریاچه و استخرها ریخته می‌شود، درود فرستاده می‌شود. همچنین آب روان در کنار مرغ پُرآن مورد ستایش قرار می‌گیرد. «...آب‌های چشمه و آب‌های گذرا را می‌ستاییم.../ کوه‌های آبریزان، دریاچه‌های آب‌زا را می‌ستاییم.../ آب روان و مرغ پُرآن را می‌ستاییم...» (هات ۴۲ بندهای ۱، ۲، ۳، ۴ : ۴۴-۴۵).

در خورشید‌یشت آمده است که وقتی خورشید برآید آب روان، چشمه، دریا، آب ایستاده پاک می‌شوند. «هنگامیکه خور برآید زمین اهوراآفریده پاک شود، آب روان، آب چشمه، آب دریا، آب ایستاده پاک شود...» (بند ۲ : ۳۱۱).

در دو سی روزه فقره ۱۳ از تیشتر (ایزد باران) در کنار ستارگان دیگر به عنوان حامل نطفه آب یاد می‌شود (رایشلت، ۷۱). تیشتر ایزدی است که با دیو اپوش (نماد خشکسالی) همیشه در ستیز است و حتی او را با ستاره شعرای یمانی برابر می‌دانند (برای توضیحات بیشتر رجوع کنید به یشتهای پورداوود، ۱۳۷۷: ۳۳۱).

در تیشتر یشت نام ایزد دیگری به نام آپام‌نپات می‌آید که تقسیم‌کننده آب در جهان مادی است و در این راه باد چالاک و فروهرهای پاکان نیز او را یاری می‌دهند. «ای سپیتمان زرتشت، آپام‌نپات (به همراهی) باد چالاک... در جهان مادی مقدار معینی از آب تقسیم کند...» (بند ۳۴ : ۳۰۷). در همین یشت از تیشتر به عنوان کسی که خانه آرام می‌بخشد یا به صفاتی همچون فروغ روشن، سپید درمان دهنده، تند پرنده، بلند، از دور درخشنده، آفریننده آب دریای فراخ یاد می‌شود. «تیشتر ستاره رایومند فرهمند را می‌ستاییم که منزل آرام و خوش بخشد (آن) فروغ سفید افشاننده، درخشنده، درمان بخش، تندپرنده، بلند، از دور درخشنده را...» (بند ۲ : ۳۳۹).

در سروش هادخت یشت آمده است که اگر فرد پارسایی به آب بزرگی برسد یا در هنگام گذشتن از رود قابل کشتیرانی دعای مقدس اهورنور را بخواند دچار خطر و گرفتاری نمی‌شود. «... در مقابل آب بزرگی یا خطر بزرگی یا در شب تاریک مه‌آلود یا در هنگام گذشتن از رود قابل کشتیرانی یا...» (کرده ۱ فقره ۴)

در یشت‌هایی که به سه عنصر دیگر پرداخته شده عبارتند از:

هرمزديشت که اشاره به این نکته دارد که راهزنان به واسطه دیدگان سپندارمذ ایزد موکل بر زمین به زیر زمین رانده می‌شوند. « زرتشت گفت که بدین وسیله شما را به زیر زمین برانم به واسطه دیدگان سپندارمذ، راهزن به زیر زمین افکنده خواهد شد» (بند ۲۹ : ۶۵).

در هفتن‌یشت کوچک می‌بینیم که سپندارمذ با صفت نیک «سپندارمذ نیک را راتای نیک و دور بیننده مقدس مزدا آفریده را... (می‌ستاییم) (بند ۳ : ۱۰۱) / سپندارمذ نیک را می‌ستاییم...» (بند ۸ : ۱۰۵). همچنین آذر با صفت آذر اهورامزدا «... آذر پسر اهورامزدا را می‌ستاییم...» (بند ۹ : ۱۰۵) ستوده می‌شوند. در هفتن‌یشت بزرگ نیز زمین ستوده می‌شود به دلیل اینکه حامل آفریدگان است. «ایدون این زمین، زمینی که ما را دربر گرفته و این زنان را نیز می‌ستاییم...» (هات ۳۸ بند ۱ : ۳۶). در همین یشت به زمین در کنار آسمان و باد چالاک مزدا آفریده درود فرستاده می‌شود. «زمین و آسمان را می‌ستاییم و باد چالاک مزدا آفریده را و سر کوه البرز را می‌ستاییم، زمین و همه چیزهای نیک را می‌ستاییم» (هات ۴۲ بند ۳ : ۴۴).

در اردیبهشت‌یشت باد سمت شمال مورد نکوهش قرار می‌گیرد زیرا اشاره به این موضوع دارد که سمت شمال جایگاه دیوان و اهریمن است و بادی که از آن سمت می‌وزد باد بد و ویرانگر است. «... ای بادِ طرفِ شمال بگریز، ای بادِ طرفِ شمال نابود شو و آنکه از نژاد این اژدها است را خواهند برانداخت...» (بند ۹ : ۱۴۵).

۴- نتیجه‌گیری

اعتقاد به چهار عنصر به عنوان پدیدآورنده جهان، اندیشه‌ای است که از اندیشمندان یونان آغاز گردید. در متون اوستایی به این مفهوم که ارکان چهارگانه در اندیشه هستی‌شناسی یونانیان جلوه‌گر است، دیده نمی‌شود. تنها اشاره به سه عنصر آب، خاک و آتش دیده می‌شود. این مسئله که یونانیان در برهه‌ای از تاریخ چنین دیدگاهی داشته‌اند درست است اما این اندیشه قبل از یونانیان بین اقوام دیگر به خصوص ایرانیان مطرح بوده است. تقدس امور ذکر شده و مطرح بودن به عنوان ایزدان زرتشتی، نشان از اهمیت آنها در نزد ایرانیان بوده است.

اولین موردی که درباره هر چهار عنصر پررنگ است، ستوده‌شدن آنها به عنوان یک عنصر پاک و مقدس است؛ دیگر این که جنسیت بخشیدن به هر عنصر، بیانگر خصیصه‌ای از آن بوده است: آب (آناهیتا)؛ الهه‌ای مونث نماد باروری و آفرینش، زمین (سپندارمذ)؛ الهه مهر مادری، فروتنی و آرامی، آتش (پسر اهورامزدا)؛ ایزد نماد قدرت، یآوری و ویرانگری (= آزمایش)، باد (وایو مذکر)؛ ایزد نماد درهم‌شکنندگی، نیک‌کرداری و پابندگی فر.

از سویی دیگر باد؛ مرتبه‌ای خاص در بین اهورایی‌ها و اهریمنی‌ها دارد؛ مرگ‌آور است همچون طوفان، زندگی‌آور است همچون ابر باران‌زا؛ زمین، گسترده چون مادرکیهان دربردارنده هم خوبان و هم بدان؛ آتش، عنصر بنیادی در تکوین هستی و جهان مادی، ویران کننده بدی همچون آتش دوزخ؛ آب،

پیوند دهنده مرگ و حیات. این‌ها جنبه‌هایی از وجوه متفاوت این عناصر هستند که در عقاید، باورها، آداب و سنن، موضوع حکایت‌ها و اسطوره‌ها قرار گرفته‌اند.

منابع

- ابن سینا (۱۳۷۰). *قانون در طب*. ترجمه عبدالرحمان شرف‌کندی. ج ۱. تهران: سروش. چ ششم.
- ارسطو (۱۳۶۳). *طبیعیات*. ترجمه دکتر مهدی فرشاد، تهران: امیرکبیر.
- استرابون (۱۳۸۲). *جغرافیای استرابون*. ترجمه همایون صنعتی زاده. تهران: بنیاد موقوفات دکتر افشار.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۸۱). *اساطیر هند*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر. چ دوم.
- ایونس، ورونیکا (۱۳۷۹). *اساطیر مصر*. ترجمه باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- بارانی، محمد و احسان خانی (۱۳۹۲). «بررسی تطبیقی اسطوره آب در اساطیر ایران و هند» مجله مطالعات شبه قاره. د پنجم. زمستان. ش ۱۷. صفحه ۲۶-۷.
- بیرونی، ابوریحان (۱۳۸۶). *آثارالباقیه*، تهران: امیرکبیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۳۱). *همزنامه*، ج ۱. تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۸۰). *یسنه*، تهران: اساطیر.
- پورداوود، ابراهیم (۱۳۷۷). *یشت‌ها*، ج ۲. تهران: اساطیر.
- جلالی، سید محمد رضا (۱۳۷۲). *گزیده سروده‌های ریگ‌ودا*. تهران: نقره. چ سوم.
- حسن دوست، محمد (۱۳۹۳). *فرهنگ ریشه‌شناختی زبان فارسی*. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- دادور، نغمه (۱۳۹۳). «اسطوره دآوری ایزدی به وسیله آتش در شاهنامه»، *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*. ۱۰۰. بهار. ش ۳۴.
- دارمستر، جیمز (۱۳۸۲). *وندیداد اوستا*، مجموعه قوانین زردشت. ترجمه موسی جوان. تهران: دنیای کتاب.
- دوستخواه، جلیل (۱۳۷۵). *اوستا، کهن‌ترین سرودها و متن‌های ایرانی*. ترجمه فارسی متن کامل اوستا. ج ۲. تهران: مروارید.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۳۴). *لغت‌نامه*، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی. تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه
- راشد محصل، محمدتقی (۱۳۶۶). *گزیده‌های زادسپرم*. تهران: مؤسسه تحقیقات و مطالعات فرهنگی.
- رزنبرگ، دونان (۱۳۷۹). *اساطیر جهان*، ترجمه عبدالحسین شریفیان. تهران: اساطیر.
- رضی، هاشم (۱۳۸۹). *جشن‌های گاهنبار و فرودگ*. تهران: بهجت.
- ساسانفر، آبتین (۱۳۹۰). *گاتاها، سروده‌های اشوزرتشت*. تهران: بهجت.
- ستاری، رضا و سوگل خسروی (۱۳۹۲). «بررسی خویشتکاری‌های آناهیتا و سپندارمذ در اسطوره و پیوند آن با پیشینه مدارسالاری». *فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناختی*، دانشگاه آزاد. د ۹. ش ۳۲.

- سرکاراتی، بهمن (۱۳۵۰). «پری، تحقیقی در حاشیه اسطوره شناسی تطبیقی»، مجله زبان و ادب فارسی (نشریه سابق دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز). د ۲۳. پاییز. ش ۹۷-۱۰۰. صفحه ۱-۳۲.
- فرنیخ دادگی (۱۳۶۹). بندهش. ترجمه مهرداد بهار. تهران: توس.
- قائمی، فرزاد؛ یاحقی، محمدجعفر و مهدخت پورخالقی (۱۳۸۸). «تحلیل نمادینگی عناصر خاک و باد در اساطیر و شاهنامه فردوسی»، مجله ادب پژوهی. زمستان. ش ۱۰. صفحه ۵۸-۸۲.
- کریستن سن، آرتور (۱۳۶۸). ایران در زمان ساسانیان، ترجمه رشید یاسمی. تهران: دنیای کتاب. چ ششم.
- کوشش، رحیم و امیررضا کفّاشی (۱۳۹۰). «بررسی تطبیقی نمادینگی عناصر طبیعت در شاهنامه». مجله ادبیات عرفانی و اسطوره شناختی، دانشگاه آزاد. واحد تهران جنوب. پاییز. ش ۲۴.
- گزیده سروده‌های ریگ‌ودا (۱۳۷۲). ترجمه سید محمدرضا جلالی. چ سوم. تهران: نشر نقره.
- معین، محمد (۱۳۴۳). برهان قاطع. تهران: ابن سینا. چ دوم.
- میرفخرایی، مهشید (۱۳۸۲). بررسی هفت‌ها. تهران: فروهر.
- واحددوست، مهوش (۱۳۸۴). «نمادینگی آتش و بازتاب آن در متون اساطیری و حماسی»، مجله علوم انسانی. د ۲۵. ش ۴۲.
- هرودوت (۱۳۸۲). تاریخ هرودوت، ۵ جلد. به کوشش هادی هدایتی. تهران: دانشگاه تهران. چ دوم.
- Ariaaboom.com.
- Encyclopaedia Iranica*, online version: <http://www.iranica.com/>.
- Fathi, Habashi: (2000). Zoroaster and The Theory of Four Elements. Bull. Hist.Chem.vol. 25: 2(109- 115).
- Humbach, H. and P. Ichaporia, (1994). *The Heritage of Zarathushtra: A new Translation of his Gathas*. Heidelberg: Universitätsverlag Winter.
- Elfenbein, J; Humbach, H. and Prods O. Skjærvø(1991). *The Gāthās of Zarathushtra and other Old Avestan Texts, part II: Commentary*. Heidelberg: Universitätsverlag Winter.
- Shaki, M. (2020). "ELEMENTS". *Encyclopaedia Iranica*, online version, iranicaonline.org/articles/elements.
- Geldner, K.F.(1896). *Avesta, The Sacred Books of the Parsis*, Stuttgart: W. Kohlhammer.